

# افغانستان و ژئوپولیتیک انرژی منطقه

علی قادری



گزینه بیشتر ندارد. یا سود اقتصادی که نصیب شان می شود را بقیاید و یا اینکه دوباره جانب بنیادگراها و تندروان مذهبی را بگیرد. در هر صورت، افغانستان جزئی از بازار کشورهای منطقه می شود. در آن صورت منافع مشترک اقتصادی میان کشورهای منطقه می گردد که همین منافع مشترک همکاری های منطقه ای را افزایش می دهد و همکاری و همسویی را تقویت می کند.

سیاست دولت مرکزی با اکنون هیچ سسختیت با ژئوپولیتیک انرژی منطقه ای نداشته است. در زمان حامد کرزی در کنار تلاش برای آوردن صلح گروه های بنیادگرا به خصوص گروه طالبان تقویت شد. تقویت شدن این گروه موجب شد که در حکومت جدید فرصت روی دست گرفتن سیاست های اقتصادی را نداشته باشد. با این حال، حکومت جدید نیز با گروه طالبان و دیگر

گروه های دهشت افکن با مامشات برخورد نموده است. هیچ انگیزه برای تعقیب تروریستان در حکومت افغانستان وجود ندارد. بنابراین، پروژه های کلان اقتصادی به زودی ممکن نیستند اجرائی گردد. بنابراین، رشد اقتصادی در ماه های آینده و ممکن در سال های آینده بیشتر کاهش یابد. دامنه شورش ها ممکن گسترده گردد. با این حال، همه چیز بستگی به سیاست های دولت مرکزی با گروه طالبان چه دارد. سیاستی را در پیش می گیرد. آیا می گذارد گروه طالبان بنیاد ها و شیرازه های اقتصادی کشور را بخشکاند و یا اینکه با مبارزه جدی با این گروه ها افغانستان را کند و منافع اقتصادی افغانستان را با منافع کشورهای منطقه ای تقویت کند.

منافع کشورهای منطقه گره می زند. بنابراین، امیدی برای بهبود وضعیت به صورت عموم وجود دارد. فرصت ها و ظرفیت های زیادی وجود دارد که ما را در منافع کلان اقتصادی کشور های منطقه گره بزند با این حال، سیاست داخلی و خارجی ما طوری تدوین نشده است که بتواند این مهم تحقق یابد.

انرژی طبیعی نیازمند می باشد. از این رو، افغانستان معبری برای عبور انرژی کشور های آسیایی میانه به آسیای جنوبی است. مسئله عبور خط لوله گاز نیز در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. دو شرکت بونیکال آمریکایی و تایجیکستان و ... دارای منابع طبیعی می باشد. همه این کشور ها به دنبال آن است تا امکان ها و فرصت های فراهم گردد تا بتوانند منابع طبیعی خود را استخراج و به کشورهای آسیایی جنوبی برسانند. هند پاکستان به خاطر کمبود منابع طبیعی نیازمند آن است تا از منابع طبیعی کشورهای آسیایی میانه استفاده نماید. افغانستان تنها مسیری است که می تواند منابع طبیعی آسیایی میانه به آسیای جنوبی برسد.

پاکستان به خاطر کمبود انرژی پروژه های کلان توسعه ای شان به حالت تعلیق در آمده است. هند از جمله کشورهای است که رشد سریع را تجربه می کند با این حال، نیازمند انرژی است تا بتواند، تحول در جامعه روستایی خود نیز به وجود آورد. چین دومین قدرت بزرگ اقتصادی در جهان است. این کشور با رشد اقتصادی و جمعیت میلیاردي که دارد، به شدت به

مشکل گیری جریان های جهادی و آغاز مبارزه با حکومت کمونیستی و قشون سرخ شوروی منجر به بی ثباتی سیاسی و اقتصادی در کشور شد. با فروپاشی و سقوط نظام کمونیستی نظام اقتصادی کشور نیز فروپاشید. جنگ ها داخلی منجر به ویرانی زیرساخت ها و زیربنای های اقتصادی شد. حاکمیت امارت اسلامی طالبان منجر به بازسازی دوباره نظام اقتصادی نشد. بلکه اقتصاد جنگی بر سراسر افغانستان حاکم شد. دوره پس طالبان، دوره تحول اقتصادی در کشور بود. سرمایه گذاری ها در کشور افزایش یافت. کمک های خارجی منجر به فعال شدن چرخه اقتصاد کشور شد. با این حال، در بیش از یک دهه گذشته کمتر به زیرساخت ها و زیربنای های اقتصادی توجه شد. در سال اخیر با گسترش دامنه ناامنی اما، سرمایه گذاری ها در کشور رو به کاهش گذاشت. بر اساس

معلومات اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان در سال جاری سرمایه گذاری در حدود بیست و شش درصد کاهش یافته است. ساختمان سازی، خدمات، زراعت و معدن از جمله مواردی است که با کاهش سرمایه گذاری مواجه بوده است. دلایل کاهش سرمایه گذاری در کشور مشخص است. گسترش ناامنی، خروج سربازان خارجی از کشور، طولانی شدن روند انتخابات، وجود فساد گسترده در سطوح و لایه های مختلف ادارات دولتی، ضعف دولت در تدوین و اجرای سیاست های اقتصادی از جمله مواردی است که باعث کاهش سرمایه گذاری در کشور گردیده است. با این حال، ظرفیت های زیادی برای بهبود وضع اقتصادی در داخل و در سطح منطقه به تحلیل بگیریم.

موقعیت جغرافیایی افغانستان زمینه ها و فرصت های زیادی اقتصادی را برای کشور فراهم می کند. آسیای جنوبی است. در یک طرف کشور های با منابع عظیم طبیعی قرار دارد که نیازمند آن است تا این منابع

توسعه روستایی از وعده تا عمل

حقیق الله ذکی

رئیس جمهور در پنجمین نشست ملی مشورتی شوراهای انکشافی روستاهای افغانستان وعده داد که تا چهار سال آینده خدمات یکسان و مناسبی برای زندگی در روستاها فراهم سازد و برای بهبود زندگی در روستاها می کوشد تا چهار سال آینده، افغانستان با استفاده مناسب از آب و زمین، در زراعت خودکفا شود.

افغانستان یکی از فقیر ترین کشورهای جهان به شمار می رود. این کشور در حالی پایین ترین تولیدات ناخالص ملی را دارد، بیشترین نیازمندی های خود را از طریق واردات کالا از کشورهای خارجی تأمین می کند. حدود سه میلیون نفر در افغانستان از فقر و گرسنگی شدید رنج می برند و قادر به تأمین نیازمندی های اساسی زندگی خود نیستند. افغانستان تاهنوز در لیست کشورهایی است که بالاترین مرگ و میر اطفال را به خود اختصاص داده است. پنجاه درصد مرگ و میر اطفال در این کشور به سوء تغذیه و عدم دسترسی آنها به غذای مناسب ارتباط می گیرد. افغانستان کشوری است که سه میلیون نفر آن مواد مخدر استفاده می کنند و زندگی یک و نیم میلیون نفر آن در معرض خطر قرار دارد. بیش از پنجاه درصد این مردم از مشکلات روانی و حدود سی درصد مردم از بیماری روانی رنج می برند.

روزانه صدها نفر در افغانستان کشته و زخمی می شوند و هزاران خانواده به طور مستقیم و غیر مستقیم از جنگ متضرر می شوند. یاس و ناامیدی ناشی از جنگ، ناامنی، فقر و بیکاری، پس از چهارده سال روند مهاجرت شهروندان این کشور را معکوس کرده و هزاران نفر را به آوارگی و فرار از کشور و داشته است. در افغانستان فساد بیداد می کند و سالانه بیش از دو میلیارد دالر در این کشور رشوه پرداخت می شود و میلیاردها دالر دیگر از سوی اقلیت برخوردار حیف و میل می شود.

در همین حال، اما رییس جمهور به مردم وعده می دهد که تا چهار سال وضعیت زندگی روستاها بهبود می یابد و افغانستان در عرصه زراعت به خود کفایی می رسد. اولاً که این وعده ها هیچ امیدی را در دل مردم زنده نمی کند. مردم همواره وعده های حکومت را شنیده اند؛ اما عمل به وعده ها را ندیده اند. به این خاطر دیوار ضخیمی از بی اعتمادی میان مردم و حکومت شکل گرفته است که مانع رابطه مناسب و منطقی میان حکومت و مردم می شود. ثانیاً، فرایند توسعه با وعده و سخنرانی به جریان نمی افتد. امکانات، ظرفیت ها، سیاست ها و توانایی ها است که به این فرایند کمک می کند و آن را به اهداف تعیین شده نزدیکتر می سازد.

توسعه روستاها حداقل به سه عامل عمده بستگی دارد: ۱- نیروی انسانی ماهر و فعال ۲- زمین مناسب برای زراعت ۳- آب کافی. سطح پایین زندگی روستاییان و نبود زمینه اشتغال برای قشر تحصیلکرده در افغانستان سبب گردیده تا افراد با سود و تحصیلکرده و دارای مهارت های فنی برای کار به شهرها سرازیر شوند و روستاها همه ساله از افراد ماهر خالی می شوند.

در بسیاری از روستاها زمین کافی برای کشت وجود ندارد. مردم این روستاها عموماً کم زمین هستند. به این خاطر کمتر مورد توجه قرار می گیرند و کمتر از حمایت های دولتی و غیر دولتی برخوردار می شوند.

بخش قابل توجه سرزمین افغانستان از بی آبی رنج می برند. مردم برای زراعت از آب های زیر زمینی بهره می برند که از یک طرف ذخایر استراتژیک کشور را از بین می برد و از سوی دیگر هزینه ها را تا چند برابر افزایش می دهد.

بنابراین دولت برای توسعه روستاها در مرحله اول، باید سطح دانش و آگاهی روستاییان را بالا ببرد و زمینه های شغلی افراد تحصیلکرده و ماهر را در روستاها فراهم سازد. در مرحله دوم، برنامه اصلاحات ارضی را در کشور پیاده کند و به افراد بی زمین، زمین مناسب برای زراعت توزیع نماید. در مرحله سوم آب های سطحی و دریاها را مهار و مدیریت کرده و از آن برای توسعه زراعت بهره برداری کند. حال سؤال اینجاست که آیا دولت تا چهار سال آینده به این اهداف دست خواهد یافت؟

# افغانستان، همچنان بزرگترین تولید کننده مواد مخدر

عبدالله هروی



پایه مقام اول را در زمینه وجود آفت موادمخدر در جهان را اختیار نموده است. وجود چنین آفتی تلخ و دردناک سبب گردیده است که اعتبار بین المللی کشور هم چنان زیرسؤال قرار داشته باشد. نکات هشدار دهنده ای که در این ارتباط وجود دارد اینست که ادامه افزایش کشت و قاچاق موادمخدر با چند موضوع اساسی کاملاً در ارتباط می باشد. نخست اینکه چگونگی مبارزه با مواد مخدر و موفقیت یا ناکامی آن کفایت حکومت را به نمایش می گذارد. یعنی تا زمانی که کشور در ردیف نخست کشورهای تولید کننده موادمخدر قرار داشته باشد، هم چنین تا زمانیکه عناصر مافیایی در راس ساختار حکومتی نفوذ داشته باشند، دستگاه های قانونگذاری و عدلی از مبارزه قاطع با عناصر مافیایی هراس داشته و یا تطمیع شوند سودای حکومت داری خوب محال است و خیال. دوم اینکه وجود کشت گسترده و قاچاق وسیع موادمخدر در کشور با میزان جرایم و بزهکاری های اجتماعی و ناامنی های سیاسی کاملاً در ارتباط می باشند. این دو بگونه مستقیم و غیرمستقیم یکدیگر را تغذیه می نمایند.

زمنه حضور و فعالیت گروههای مافیایی را مساعد گردانیده است. عدم عزم جدی و قاطع بین المللی و داخلی با موادمخدر بنا به دلایل متعدد. با توجه به وضعیت جاری کشور متأسفانه با وجود اینکه برخی از زمینه ها و علل کشت و قاچاق موادمخدر و افزایش آن بصورت ظاهر رفع گردیده است، اما بسیاری از زمینه ها و علل آن هم چنان با قدرت پای برجا می باشد. در این رابطه به موضوع وجود فقر و بیکاری گسترده و تکان دهنده در کشور اشاره داشت که مردم برای تأمین معیشت مجبور گردیده اند که به شغل های نامشروع روی آوردند. یکی از این اشنگال ها کشت و قاچاق موادمخدر می باشد که با سودهای کلان همراه می باشد. هم چنین فقدان اداره ضعیف حکومتی در کنترل مناطق، مبارزه با قاچاقچیان موادمخدر، عدم عاملین آن، عدم توانایی و شهامت در شناسایی عناصر پشت پرده موادمخدر در ساختار حکومت، ناتوانی و عجز شدید دستگاه عدلی و قضایی کشور در محاکمه و مجازات افراد و عناصری که با موادمخدر ارتباط دارند، بی برنامهگی حکومت در امر مبارزه با موادمخدر، نبود برنامه های آموزشی و آگاهی بخش نسبت به پیامدهای سوء موادمخدر برای جامعه بویژه نسل جوان کشور، ... مهم ترین علل و زمینه افزایش کشت و قاچاق موادمخدر در کشور بشمار می روند. با توجه به چنان علل و زمینه هایی است که متأسفانه کشور برای چندمین سال

ریشه بدوآند. بسیاری از گروههای نظامی طی آن سالها که خود را جزوی از گروههای جهادی هم قلمداد می کرده اند امکانات مالی و تدارکی خود را در همکاری با گروه های مافیایی موادمخدر بدست می آوردند. هم اکنون آن گروه ها روش یاد شده را دنبال می نمایند. اما درباره زمین ها و علل گسترش کشت و تولید موادمخدر در کشور می توان به موارد زیر اشاره داشت: فقدان حاکمیت مرکزی در سال های بحران و نیز حاکمیت ضعیف حکومت مرکزی پس از سقوط طالبان؛ دست داشتن برخی از رهبران سیاسی و مقامات کشوری در تولید و قاچاق موادمخدر در دهه های گذشته و سسال های اخیر؛ عدم مرکزیت و مرجع با صلاحیت و با کفایتی که بتواند روند کشت و افزایش موادمخدر را در کشور بصورت علمی مورد تحقیق و ارزیابی قرار داده تا راهکارهای واقع بینانه و کارشناسی شده ارائه شود. فقر و بیکاری گسترده در جامعه که موجب گردید بخش عمده ای از کشاورزان و نیروی فعال جامعه برای تأمین معیشت و اشتغال به کار به کشت و تولید موادمخدر روی آورند. عدم آگاهی جامعه از مضرات و نایجایبودن روی آوردن به کشت و قاچاق و استفاده موادمخدر، پیوند خوردن منافع بخش های جامعه با درآمدهای هنگفت و خیره کننده موادمخدر. دست داشتن قدرت ها و باندهای مافیایی بین المللی موادمخدر با شبکه های داخلی کشور. وجود ناامنی های گسترده در کشور طی دهه های گذشته و سالهای اخیر که

افغانستان هنوز هم بزرگترین کشور تولید کننده مواد مخدر در جهان محسوب می شود. جان سیکو بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان در تازه ترین گزارش خود (سیگار) آورده است، با آن که واشنگتن ۸.۴ میلیارد دالر در مبارزه با مواد مخدر در افغانستان هزینه کرده است اما این کشور هم چنان بزرگترین تولید کننده مواد مخدر است. در همین حال در این گزارش سیگار آمده است که بیشتر درآمد طالبان از تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان ریشه کن است که از سوی حکومت و جامعه بین المللی بنابر ظاهر امر مورد تأیید قرار گرفته است. اما اکنون سوال اینست که با وجود هشدارهای داده شده و تأکید های صورت گرفته در امر پیش گیری از کشت و تولید موادمخدر و مبارزه با آن قیل میزان کشت و تولید این آفت کشنده و خانمانسوز ضدبشری در حال افزایش است؟ آیا هیچ نهاد مسئول در این رابطه وجود ندارد؟ وظیفه وزارت مبارزه با موادمخدر و بسیاری از سازمان های داخلی و خارجی در این رابطه چیست؟ پولیس مبارزه با موادمخدر که هزینه سنگینی را در شرایط سخت کنونی بخود اختصاص داده است چه امر دیگری را به پیش می برد؟ سرانجام اینکه طبق قانون و اصول متعارف بین المللی مرجع و نهادی مسئول و پاسخگو در این رابطه باید وجود داشته باشد؟ این مرجع و نهاد کدام است؟

واقعیت اینست که پدیده موادمخدر یک پدیده تاریخی و جهانی است. یعنی روی آوردن به موادمخدر با اغراض متفاوت اعم از تولید و فروش آن جهت سود اقتصادی و یا استفاده از آن جهت اشباع انگیزه اعتمادآورد یا استفاده از آن حتا بعنوان ابزار های سیاسی برضد دشمن و رقیب ریشه در دوران های کهن دارد. هم چنین روی آوردن به مسئله موادمخدر از ابتدایی ترین صورت تا پیچیده ترین شکل ممکن طی شده است. تولید و قاچاق موادمخدر از آغاز تاکنون مناطق جغرافیایی گوناگونی را دربر گرفته است. زمانی قاره افریقا مرکز آن بشمار می رفت، زمان دیگر قاره امریکای مرکزی و هنگامی نیز جنوب شرق آسیا و اکنون جغرافیای سیاسی افغانستان.

تاریخچه و زمینه ورود کشت و تولید موادمخدر و قاچاق آن در کشور بر می گردد به سالهای بحران و جنگ. طی سالهای یاد شده کشور به دلیل فقدان حاکمیت مرکزی مشروع و وجود گروههای نظامی متعدد سبب گردید که گروههای مافیایی مواد مخدر در کشور

## کارتون روز

بدون شرح



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حقیق الله ذکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

